

جهانگیر کرمی، کارشناس مسائل روسیه، در گفت‌وگو با «شرق»:

اولویت پوتین در سوریه حفظ منافع مسکوست

سعید شمس: سوریه معمای خاورمیانه و حتی نظام بین‌الملل شده است و در هر نقطه از جهان، با نگاه و تحلیل‌های خاصی «پایان‌دادن به جنگ پنج‌ساله» به‌عنوان هدفی جدی پیگیری می‌شود. روسیه هم به‌عنوان یکی از کشورهای شاخص در منطقه تلاش دارد تا آتش سوریه خاموش شود. حالا یک روز با فرستادن نیروهای نظامی به خاک این کشور غرق در بحران روزی هم با خروج آنها تا بلکه بتواند با مذاکراتی کسه با این و آن انجام می‌دهد، بالاخره سوریه را از شر نزاع خلاص کند. «سوریه برای روسیه مهم است و به همین دلیل، «ولادیمیر پوتین»، و دولتش سعی دارند تا به‌نوعی «مشکل» را حل کنند. البته شکی در این نیست که روس‌ها اولویت اصلی‌شان منافع کشورشان است.» «جهانگیر کرمی»، استاد دانشگاه و کارشناس مسائل روسیه، با طرح اظهارات بالا به پرسش‌های «شرق» پاسخ می‌گوید:

✎ پیروزی یا شکست، تصمیم پوتین درباره عقب‌نشینی نیروهای روسی از سوریه نشانه چیست؟

خروج نیروهای نظامی روسیه از سوریه در تداوم سیاستی بود که حدود دوماه پیش از طرف کاخ کرملین مطرح شد و این‌طور عنوان شد که روسیه به هدفش در سوریه رسیده و دقیقاً به همین دلیل لزومی به ماندن هوایم‌های نظامی روس در آن کشور نیست.

✎ این تصمیم ربطی به مذاکرات روسیه و آمریکا داشت؟

بله، مذاکراتی که بین مقامات روسی و آمریکایی صورت گرفت. مخصوصاً ۲۵ دیدار و تماس تلفنی که «سرگئی لاوروف» با «جان کری» داشت، تأثیر زیادی در اعلام خروج هوایم‌های روسیه از سوریه داشت.

✎ پوتین چقدر نگران تکرار تجربیات تلخ گذشته بود؟

طبیعتاً قدرت‌های بزرگ نظامی جهان، برای انجام هر اقدام نظامی‌ای به نتیجه و عواقبش فکر می‌کنند تا با شکست مواجه نشوند. بخشی از این حساسیت‌ها نگاه به گذشته و تجربه اتفاق‌هایی است که در سال‌های دور رخ داده است؛ تجربه گذشته حضور نظامی نیروهای روس در کشورهای جاشده از شوروی سابق، و بیش از آن هم حضور نیروهای ارتش سرخ شوروی در افغانستان بود. اگرچه تفاوت زیادی بین این دو حضور مشاهده می‌شود، اما طبیعی است که روس‌ها نگران تکرار سرنوشت دخالت نظامی در کشور افغانستان هستند. آن رویداد خطرناک ارتباطی با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی داشت. اما واقعیت این است که از همان ابتدای حضور نیروهای نظامی روسیه در سوریه، دولت روسیه تلاش کرد تا اولاً این حضور فقط حضور هوایم‌ها باشد و دوم اینکه وارد جنگ زمینی نشوند و سوم اینکه نوع حضور به‌گونه‌ای باشد که برگشتن و عقب‌نشینی در هر برهه‌ای که باشد، لطمه‌ای به حیثیت نظامی روسیه وارد نکند. به همین دلیل پوتین نگرانی چندانی از آخرواقبت حضور نظامی کشورش در روسیه نداشت، چراکه حضور این کشور به دعوت رسمی دولت سوریه بود و چون با هدف مقابله با تروریست‌ها بود، امری پسندیده تلقی شد و به این خاطر تحت هیچ شرایطی روس‌ها تهدیدی را علیه خود حس نمی‌کردند. هرچند طبیعی است که تجربیات ناموفق گذشته باعث شد که مراقب نوع عملکردشان باشند.

✎ سایه اوکراین تا چه اندازه بر سیاست‌های روسیه تأثیرگذار است؟

سیاست‌های روسیه در سوریه وقتی می‌تواند در موضوع اوکراین تأثیرگذار باشد که دولت روسیه و آمریکا بتوانند در این بحث مهم و پیچیده به توافق‌نظر و هم‌صدایی لازم برسند و در تداوم آتش‌بس و پیشبرد مذاکرات و در اجرای توافقات حاصل‌شده برای خارج‌کردن سوریه از بحران پنج‌ساله قدم‌های مثبتی بردارند. اگر چنین اتفاقی نیفتد، طبیعتاً بحران اوکراین تأثیری بر سیاست‌های مسکو نخواهد داشت.

✎ به نظران تحریم‌های اقتصادی غرب چه نقشی در تصمیم‌گیری اخیر پوتین داشت؟

بعید است که تحریم‌های غرب حداقل در این مرحله تأثیری داشته باشد.

«**مروان البرغوثی**» عضو کمیته مرکزی جنبش فتح و عضو

شورای ملی فلسطین است که هم‌اکنون بعد از ۱۴ سال همچنان در سلول ۱۱ زندان «هداریم» اسرائیل به‌سر می‌برد. او در این مقاله برداشت تازه خود را از قیام کنونی فلسطینی‌ها ارائه داده و ضمن آن خواستار تجدیدنظر اساسی در گفتمان ملی فلسطینی‌هاست.

تاریخ محکوم به پیشرفت است و کسانی که بخواهند در برابر حرکت تاریخ و مقاومت ملت‌ها علیه استعمار، ستمگری، ظلم، اشغالگری، بردگی، استثمار و تجاوز به کرامت انسان‌ها بایستند، دچار اشتباهاتی مرکب‌ار شده‌اند. زیرا اینها عناصری است که با روند طبیعی و جوهر حرکت تاریخ کاملاً انطباق دارد. ارتباط ملت‌های استعمارزده و تحت ستم با دشمنان‌شان از دوران گذشته تاکنون مبتنی بر عدم پذیرش ستم، مقاومت و انکار آن به اشکال گوناگون بوده است. میان این‌ دو هرگز جایی برای هم‌زیستی یا آشتی وجود ندارد. قیام کنونی فلسطینی‌ها مانند انتفاضه الاقصی در سال ۲۰۰۰، بیانگر تعارض قطعی بین استعمارگر و استعمارشده و به معنای واکنشی صریح به شکست گفت‌وگواس‌ت. این اتفاق در عین حال فرصتی به وجود آورده است تا از طریق آن بتوان روند فعلی را تصحیح و دیدگاه تازه‌ای ارائه داد. متأسفانه این قیام ادامه‌دار که از پنج ماه پیش شروع شده و هیچ نشانه‌ای مبنی بر توقف آن وجود ندارد، به لحاظ داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی مورد حمایت قرار نگرفت و کسی نیست که از نظر سیاسی، اجتماعی، رسانه‌ای و مالی از آن پشتیبانی کند. حتی کسی نیست که این قیام خودجوش را به سمت یک انتفاضه فراگیر مردمی و بزرگ سوق دهد یا آن را به اهداف و دیدگاه‌های سیاسی خاص مجهز کند. قیام کنونی پایانی است بر یک مبارزه مرحله‌ای درحال‌گذ‌ار با همه رهبران و سیاست‌های نالیدکننده‌شان. چقدر ما نیازمند آن هستیم که قیام کنونی که از طریق حمله با چاقو یا زیر گرفتن افراد انجام می‌شود، به یک انتفاضه مردمی جدید تبدیل شود. اما تبدیل این قیام به یک انتفاضه مردمی نیازمند آن است که در درجه اول به شکاف درونی فلسطینی‌ها پایان داده شود. پس از آن باید یک وحدت ملی به وجود آید تا بتواند زمینه را برای یک خیزش مردمی فراگیر فراهم کند. این همان عامل اساسی در پیروزی حرکت‌های آزادی‌بخش ملی و مبارزه ملت‌های تحت ستم است. اما عنصر مهم‌تری برای خروج از این بحران نیاز است که فراتر از وحدت ملی با وجود همه اهمیتی که دارد، می‌ی‌رود. به اعتقاد من



آنها چون به لحاظ اقتصادی در وضعیت منفی قرار دارند، برایشان مهم است که تحرکاتشان ماهیت ضدغربی نداشته باشد تا از این طریق مناسبات مالی - تجاری خود با اروپایی‌ها را به‌خوبی مدیریت کنند.

✎ کاهش قیمت نفت چطور؟

پایین‌آمدن قیمت جهانی نفت قبل از این‌ وقایع اتفاق افتاد. کاهش قیمت نفت به‌هر حال هم به اتفاقات نظام بین‌الملل ربط پیدا می‌کند. البته اقدامات تخریبی عربستان‌سعودی هم در سیر نزولی ارزش نفت در دنیا سهم بسزایی داشته است، چون آل‌سعود نفت ارزان را ابزاری برای ضربه‌زدن به روسیه و ایران می‌دانند. در سال‌های پایانی دهه ۸۰ و تأثیرگذاری‌اش در جنگ ایران و عراق و همچنین خروج نیروهای شوروی از افغانستان نشان می‌دهد که آنها همیشه دنبال کاهش قیمت نفت بودند تا در همراهی با آمریکا فشارهایی بر رقبایشان بیاورند. اما کاهش قیمت نفت موضوعی نیست که مستقیماً به سیاست‌های روس‌ها ربطی داشته باشد.



از همان ابتدای حضور نیروهای نظامی روسیه در سوریه، دولت روسیه تلاش کرد تا اولاً این حضور فقط حضور هوایم‌ها باشد و دوم اینکه وارد جنگ زمینی نشوند و سوم اینکه برگشتن و عقب‌نشینی لطمه‌ای به حیثیت نظامی روسیه وارد نکند

✎ کناره‌گیری اسد از قدرت یکی از مناقشات اصلی بحران در سوریه است. آیا پوتین کناره‌گیری اسد از قدرت را می‌پذیرد و بر سر این موضوع با غرب مصالحه می‌کند؟

هیچ‌یک از مقامات و تصمیم‌گیران روسیه تاکنون اظهارنظری درباره کناررفتن بشار اسد از مقام ریاست‌جمهوری نداشته‌اند و تأکیدشان این است که مانندن یا نماندن به مذاکرات و همچنین پروسه انتخاباتی بستگی دارد.

به سوی تولید نخبگان سیاسی جدی

مروان البرغوثی . ترجمه: محمدعلی عسگری

شرایط کنونی می‌طلبد در گفتمان حرکت آزادی‌بخش فلسطین تجدید نظر شود. این حرکت تاکنون بر اصل

رهایی از اشغالگری، وابستگی یا قدرتی مبتنی بود که از سوی اشغالگران اعمال می‌شد. اما ما در عین حال نیازمند گفتمانی هستیم که بتواند بین مردم فلسطین با نیروهای دموکراتیک و پیشرو در جهان عرب از یک سو و نیروهای طرفدار صلح و حامی آزادی ملت‌ها در سطح بین‌المللی، ائتلاف به وجود آورد.

نقش منفی دولت خودگردان

ما در جریان مذاکرات عبث و روند سیاسی کنونی تا حد زیادی مفاهیم گفتمان آزادی‌بخش خودمان را به نفع یک گفتمان حقوقی از دست داده‌ایم. حال آنکه بازگشت به یک گفتمان جدید ما را از بار سنگین و جزئیاتی که دولت خودگردان با خود آورد و از رهبران یک جنبش آزادی‌بخش، افرادی واسطه بین شهروندان و اشغالگران ساخت، رهایی می‌بخشد. این ناکامی به دلیل قدرت اشغالگران نبود، بلکه بیشتر به دلیل ضعف ما بود. سوآلی که در اینجا خود را نشان می‌دهد اینکه آیا انحلال دولت خودگردان و تفکیک آن، شرط ضروری برای احیای سازمان می‌دهد تا با استعمارگران و راهکارهایشان مقابله احیای گفتمان حرکت آزادی‌بخش ما، دوباره مقاومت و دولت را در موضع تکاملی قرار می‌دهد. به دولت نقش تأمین‌کننده عوامل اقتصادی، مالی، آموزشی، بهداشتی و... برای مقاومت می‌دهد و در مقابل از وظایف امنیتی مرتبط با اشغالگران منگ می‌کند و در عین حال به مقاومت فرصت می‌دهد تا با استعمارگران و راهکارهایشان مقابله کند. دولت خودگردان با ایجاد شکاف در بین فرزندان میهن و تجاوز به آزادی‌های شهروندان، از وظایف خود عبور کرده است. این عقلانی نیست که گروه‌های آزادی‌بخش ملی سرکوب شوند و در همان حال از این گروه‌ها توقع داشته باشیم بتوانند از آزادی‌های ملی کشورشان دفاع کنند. هیچ تشکیلی قادر نخواهد بود بدون داشتن آرمان‌های خود آینده‌ای داشته باشد. آزادی همان آرمانی است که گفتمان ملی را می‌سازد و بازسازی می‌کند و با ابزارهای لازم را برای مبارزه مطابق با شرایط موجود می‌دهد. آزادی درمان‌کننده بیماری‌های اساسی ما از جمله رخت و پیری فکری و رزمی است. بیماری‌هایی که گروه‌ها و تشکل‌های مبارزاتی را به فلک‌باز برد و بر کل وضعیت ملی ما اثر منفی

جهان

روسیه و آمریکا تماشاگر فجایع سوریه

روسیه و ایالات متحده آمریکا همچنان از یک سو زمان آتش‌بس را در سوریه تمدید می‌کنند و از سوی دیگر نقش آن را از سوی طرف‌های درگیر نادیده می‌گیرند. در این میان وقتی فاجعه‌ای رخ دهد، آن دو درحالی‌که تا پیش از آن با خونسردی تمام تماشاگر ماجرا بودند، از اروپایی‌ها پیشی گرفته و ضمن محکوم‌کردن عاملان فاجعه، خواستار تثبیت آتش‌بس و توسعه دامنه آن می‌شوند. معمولاً در نقض آتش‌بس نیز «جبهه النصره» مقصر شناخته می‌شود؛ طرفی که مسکو از آن برای درهم‌آمیختن مخالفان میانه‌رو با تروریست‌ها استفاده می‌کند.

به‌این‌ترتیب دو دولت بزرگ آمریکا و روسیه هرازچندگاهی بیانیه‌های مشترکی برای تقویت آتش‌بس و به‌راه‌انداختن دور تازه‌ای از مذاکرات صادر می‌کنند. درعین‌حال هرکدام به اشکال گوناگون به طرف‌های درگیر

✎اما این سخن لاوروف که «بشار اسد، متحد ما نیست» شائبهٔ آمیز بود.

البته برخی از تحلیلگران بر این باورند که دولت روسیه ممکن است در مذاکرات اصراری به ابقای اسد نداشته باشد و به همین دلیل در ایران و سوریه

نگرانی‌هایی از مذاکرات روسیه و آمریکا به وجود آمده است.

✎ غیب‌نشینی نیروهای روسیه از سوریه چه تأثیری بر چشم‌انداز روابط روس‌ها با همسایه همی به نام ایران می‌گذارد؟

به‌هرحال طبیعی است که این تصمیم پوتین موجب برخی نگرانی‌ها شود. چون حضور این نیروها به تقویت بشار اسد کمک کرده و باعث شده بود تا دمشق در این مدت به موفقیت‌های میدانی چشمگیری برسد. خروج اینها اگرچه در مرحله اول تأثیری بر عملیات میدانی نداشت، اما بعدها موجب اتفاق‌هایی درگیری‌های سوری‌ها شد و بعدها هم ممکن است تبعات منفی غیب‌نشینی روس‌ها را شاهد باشیم.

✎ پیش‌بینی شما درباره آینده سوریه چیست؛ سیستم فدرال برای این کشور مؤثر است؟

مذاکرات متعدد، روند دلگرم‌کننده‌ای ندارند؛ شرایط میدانی هم در سوریه بسیار خطرناک و شکننده شده است. چشم‌انداز روشنی از آینده سوریه وجود ندارد و احتمال اینکه تبعات منفی روزه‌روز پیرنگ‌ر و هزینه‌ها روزه‌روز بیشتر شوند، نیز وجود دارد. در مورد فدرالی‌شدن هم، این شکل یکی از گزینه‌هایی است که درباره سیستم اداره این کشور طرح می‌شود. اما فکر می‌کنم وضعیت فدرالی با اینکه بخشی از مشکلات را قطعاً حل می‌کند، عواقب و پیامدهایی برای سوریه و محیط منطقه‌ای خواهد داشت. طبیعتاً سوریه فدرال در داخل ترکیه تأثیر خواهد گذاشت. درکل تکیه بر فدرالیسم، خاورمیانه را با درگیری‌های قومی و مذهبی، شکنندگی دولت‌ها، حضور تروریست‌ها، دخالت‌های خارجی و... مواجه می‌کند و شرایط منطقه پیچیده‌تر از گذشته می‌شود. به نظر من هر راه‌حلی درباره سوریه باید اندیشیده شده و با حضور مؤثر گروه‌های داخلی و همین‌طور دولت این کشور باشد. در پایان تأکید می‌شود که سوریه برای روسیه مهم است و به همین دلیل پوتین و دولتش سعی دارند تا به‌نوعی «مشکل» را حل کنند. البته شکی در این نیست که روس‌ها اولویت اصلی‌شان منافع کشورشان است.

اسرائیل تجسم پیدا کرده، تأکید می‌ورزد. اگر نسل اولی که انقلاب ما را کلید زد توانست از یک فرصت تاریخی استفاده کند، ما نیز با استفاده از این فرصت تاریخی باید بتوانیم جنبش آزادی‌بخش را با نیروهای دموکراتیک در

هم آمیزیم. چالشی که هم‌اکنون در برابر ماست در این

پرسش خلاصه می‌شود که «آیا می‌توانیم این فرصت

تاریخی را احیا کنیم؟» گفتمان ملی دموکراتیک به‌تنهایی

برای عبور از بحران فعلی و انتقال از یک مرحله ناتوانی و

ناکامی، به فعالیت مناسب کافی نیست زیرا درهمان‌حال

ما به پیروی از سیاست‌های اجتماعی، اقتصادی و امنیتی

همانگ با این گفتمان آزادی‌بخش ملی ملزم هستیم.

این عقلانی نخواهد بود که هماهنگی‌های امنیتی

با اشغالگران استمرار داشته باشد و درهمان‌حال ما

خودمان را حرکتی آزادی‌بخش بدانیم که ضد همین

اشغالگری مبارزه می‌کند. این عقلانی نیست که دولت

خودگردان ارزش‌های اجتماعی عقب‌مانده‌ای را تثبیت

کند یا به قوانینی پیوسیده به‌خصوص درباره جوانان و

زنان و فعالیت‌های اجتماعی‌شان متوسل شود که مانع

حرکت جامعه است و درهمان‌حال ادعا کند در راه

آزادی‌بخشی مبارزه می‌کند؛ زیرا نمی‌توان بین آزادسازی

سرزمین و آزادی‌بخشی به انسان تمایزی قائل شد. ازاین‌رو

ما باید در نظام‌های تربیتی، آموزشی، فکری، فرهنگی

و مجموعه قوانین خود انقلاب کنیم تا بتوانیم مردم

پایداری را برای ملتمان تضمین کرده و به نسل جوان امید

و اعتمادبه‌نفس ببخشیم تا بتواند به مبارزه‌اش ادامه دهد

و برای تحقق استقلال ملی برنامه‌ریزی کند.

کنده‌ای سراسری

خروج از بحران کنونی نیازمند ایجاد آشتی ملی و

پایان‌دادن به شکاف‌های فاجعه‌بار کنونی و احیای دوباره

حرکت ملی و نظامی فلسطینی است. این امر از طریق

اتکا به یک برنامه ملی مبتنی بر سند ملی، سند استقلال

و سند وفاق ملی صادرشده از سوی زندانیان به دست

خواهد آمد. باید یک مشارکت ملی کامل در سازمان

آزادی‌بخش، دولت، شورای ملی، مجلس قانون‌گذاری

و نهادهای مختلف به وجود آید. باید از طریق برگزاری

انتخابات ادواری ریاست‌جمهوری و پارلمانی تکتگرایی

سیاسی و دموکراتیک را تأمین کرد تا خون تازه‌ای در

رگ‌های فلسطین جاری کرده و نخبان جدیدی را به

میدان آورد که شاداب، پرتحرک و متعهد به اصول

بوده و از آمادگی و شجاعت لازم برای پیشبرد مرحله

آزادی‌بخشی ملی برخوردار باشند.

منبع:الدراسات الفلسطینیة

نگاه

القاعده؛ ترسناک‌تر از داعش



اردشیر زارعی‌قنوتایی

رایش تروریسم جهادی از درون تفکر بنیادگرایی دینی و رقابت‌های ژئوپلیتیک از ۷۰ میلادی به بهانه اشغال افغانستان توسط شوروی از چارچوب مشخص با ریمتی متفاوت پیروی می‌کند. از جهادپون «افغانی- عرب» گسیل‌شده برای مبارزه با کمونیسم روسی در کارزار افغانستان تا گروه‌هایی که در طول این چهار دهه هر زمان با شکل‌وشمایل متفاوت و پیکربندی جدید تحت عنوان «جهادی» شکل گرفته‌اند که ضمن فرزندان مشترک رابطه نامشروع در جهان مدرن هستند.

تجارب این چهار دهه از بروز و ظهور تروریسم بنیادگرا به‌خوبی نشان می‌دهد که تنوع گروه‌های تروریستی و تفاوت در اهداف تاکتیکی هرگز ناقض اشتراک در ماهیت آنان نبوده است و بسته به شرایط زمانی و مکانی عرصه منازعه هربار یک «برند» تازه را عرضه کرده‌اند که ضمن اختلافات درونی خود نهایتاً یک هدف را دنبال کرده‌اند.

حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر نقطه عطفی بود تا افکارعمومی جهانی هیولای تروریسم بنیادگرا را در تصویر جنبش «القاعده» به نظاره بنشیند. حمله آمریکا به عراق و انحلال سازمان سیاسی، اجتماعی، نظامی و امنیتی این کشور موجب شد تا این‌بار سرزمین بین‌النهرین جولانگاه گروه‌های تروریستی باشد که با القاعده و دیگر گرایشات بنیادگرای اسلامی پیوند سازمانی و اعتقادی داشتند. تنوع جغرافیای سیاسی و گرایشات قبیایی در عراق این تفکر ارتجاعی و جهادی را در پیوند با ناسیونالیسم عربی به یک جنبش فراگیرتری تبدیل کرد که به‌واسطه حجم گسترده و اهداف متنوع از دیگر در ظرفر القاعده به‌تنهایی نمی‌گنجد و از این‌ مقطع به‌بعد گروه‌های جدید و مستقل از القاعده با به عرصه این منازعه خونبار گزیدند. اما این پایان دامن‌ان نبود چراکه تقابل جدیدی که بین فرق مختلف در جنگ‌های داخلی عراق شکل گرفت، این نوع از جنبش‌های تروریستی را وارد فاز جدیدی از درک و سازمان‌یابی تروریسم بنیادگرای اسلامی کرد.

شروع خیزش‌های عربی موسوم به «بهار عربی» که به خواست و مطالبه آزادی و نان ابتدا با خودسوزی «محمد بوعزیزی»، دست‌فروش تونس، آغاز و در ادامه منجر به سرنوشتی یکدiktاتوری‌های موروثی در تونس، مصر، یمن و لیبی شد، به دلیل مدیریت قدرتمندان داخلی و خارجی برای مهار و سرکوب این جنبش دموکراسی‌خواهی به سمت دوگانه انتخاب مدل «اخوان‌المسلمین» با بازگشت به نظم «پیشینی» سوق یافت. این تقابل که خارج از نرم معمول انقلاب با رقم به نشیوه مدرن در چارچوب پروسه دموکراتیک بود، بهترین فرصت را برای تروریسم مهیا کرد تا در زمین و بستر مساعد جدید، بازی خونبار خود را آغاز کند.

نظم نوین آمریکایی با همدستی محور محافظه‌کار عربی- ترکی که برای ناکام‌کردن جنبش دموکراسی‌خواهانه عربی اشتراک منافع داشتند از این فرصت برهم‌خوردن نظم منطقه‌ای برای دست‌یابی به اهداف ژئوپلیتیک خود نهایت استفاده را برده و دامنه رقابت‌های سیاسی را به سمت منازعات داخلی و فرقه‌ای جهت تسویه‌حساب با کشورهای غیرممسو چون لیبی و سوریه گسترش دادند. کشورهای غربی در اتحاد با متحدان خاورمیانه‌ای خود در مورد بحران لیبی به دلیل گمراه‌کردن محور روسیه و چین توانستند یک مجوز نیم‌بند درخصوص منطقه پروازمنوع را از شورای امنیت اخذ کرده و سپس به استناد این مجوز با حمله هوایی به این کشور با کمک گروه‌های تروریستی به زمامداری «معمر قذافی» پایان داده و تا به امروز این کشور را در باتلاق هرج‌ومرج رها کنند.

اما فاجعه اصلی در سوریه رقم خورد. بحران این کشور به دلیل مقاومت ساختار حاکم و رئیس‌جمهوری «بشار اسد» در مقابل مخالفان تروریست و همچنین ورود متحدان جهانی و منطقه‌ای دولت دمشق تا حدود زیادی پیچیده شد و تقریباً یک جنگ جهانی کوچک رقم خورد. این بستر مساعد و بی‌ثبات، دقیقاً همان فضایی بود که تروریسم هارت‌ترشده جهادی این‌بار را پیوند با ناسیونالیسم‌عرب و نارضایتی‌های راکم‌تستن، فقط کمک نیروهای خارجی لازم داشت تا فاجعه بزرگ‌تری را رقم بزند. هرچند که در سوریه از میان حدود صد گروه معارض و بیشتر مسلح با نام‌های مختلف تنها گفته می‌شود «جبهه النصره» شاخه القاعده است و «داعش» نیز به‌عنوان یک برند جدید از بدترین نوع تروریسم بنیادگرای اسلامی به تصویر کشیده می‌شود.

تمرکز یک جنبه غرب و متحدان آن روی داعش و جداسازی این گروه جنایت‌کار از دیگر گرایش‌های بنیادگرا در بین گروه‌های دیگر عرصه میدان نبرد یک انحراف و تاکتیک اشتباه است که در نهایت تا به امروز توانسته عمق فاجعه در این کشور را افزایش دهد. فراخوان جدید القاعده در دعوت از جنجوپوان بارکنده خود برای حضور در سوریه جهت تعمیق مبارزه دقیقاً از بطن همین انحراف رقم خورده است. پیام جدید «ایمن الظواهری» و دیگر رهبران القاعده برای گسیل نیروهای کارکشته خود به سوریه درحالی‌که همه تمرکز غرب روی داعش بوده و حتی جبهه النصره در بسیاری از جبهه‌های جنگ از جمله جبهه حلب توانسته است یک اتحاد جنگی بین گروه‌های جهادی از جمله «جیش‌الاسلام»، «احرارالشام»، «الجبهه الشامیه»، «الفوج الاول»، «جیش المجاهدین» و «الفرقه الشمالیه» ایجاد کند، زنگ خطری تلقی می‌شود که به صدا درآمده است.

داعش به دلیل اقدامات بسیار تدرروانه و سربریدن خبرنگاران، ایزدی‌ها، مسیحی‌ها و حتی ویران‌سازی آثار باستانی سوریه هم‌اکنون آنچنان مغرور شده است که نمی‌توان برای آن آینده‌ای را پیش‌بینی کرد. آنچه امروز شاید خطری بزرگ‌تر از داعش تلقی شود، اجماع و اتحاد دیگر گروه‌های تروریست بنیادگرا حول محور القاعده خواهد بود که به دلیل تجارب عملیاتی و انسجام تنوریک، به دلیل درهم‌تنیدگی با گروه‌های خود حمایت غرب و محور عربی- ترکی تا حدود زیادی از زیر ضرب خارج شده و حتی بخش بزرگی از کمک‌های تسلیحاتی و مالی حامیان به‌اصطلاح انقلاب سوریه را به خود جذب می‌کند. خطر جبهه النصره و گروه‌های متحد آن در عرصه جنگی سوریه نه‌تنها از بزره داعش کمتر نیست که به دلیل صوبونیت نسبی آنان از سوی ائتلاف ضدتروریستی به رهبری آمریکا و قدرت بارگیری در روابط با دیگر گروه‌های تروریستی در آینده سوریه می‌توانند فاجعه عظیم‌تری را رقم بزنند. در زمانی که معیار تروریست‌خوب - تروریست بد در عرصه منازعه سوریه تغییر نکرده و جامعه جهانی این مرزبنده‌ای کلیشه‌ای و کاملاً اشتباه را تصحیح نکند، هیچ چشم‌اندازی برای محو یا حتی مهار تروریسم جهادی در این کشور و منطقه قابل‌تصور نخواهد بود. پیام رهبر القاعده و تأیید حضور بسیاری از رهبران ترانزیتی گروه القاعده در سوریه یک هشدار جدی است که اگر نادیده گرفته شود، جهان شاهد ظهور یک امارات تروریستی جدید خواهد بود.

منبع:الحیات